

## توثیلماسی امارات متحده عربی درباره عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی

ابوذر گوهری مقدم<sup>۱</sup>، سیدعرفان‌الدین افضل<sup>۲</sup>، رضا جهانبازی گوجانی<sup>۳</sup>، امیررضا تمدن<sup>۴</sup>

### چکیده

با گسترش فناوری‌های ارتباطی، استفاده از شبکه‌های اجتماعی از جمله توئیتر در راستای اهداف دیپلماسی دچار تحول و دگرگونی شده است. همین امر، باعث شکل‌گیری اقسام جدیدی از دیپلماسی گردیده است. «توثیلماسی» یا دیپلماسی توئیتری، یکی از این اقسام جدید است. پژوهش حاضر به بررسی توثیلماسی امارات متحده عربی در مورد عادی‌سازی روابط با رژیم اسرائیل می‌پردازد. بازه زمانی مورد بررسی، ۱۳ آگوست تا ۲۰ سپتامبر سال ۲۰۲۰ میلادی، همزمان با اعلام رسمی انعقاد پیمان سازش میان امارات و رژیم اسرائیل موسوم به توافق «آبراهیم» یا «آبراهام» است. داده‌های مورد نیاز از پلتفرم (سکوی) توئیتر جمع‌آوری شده و با روش تحلیل مضمون، تحلیل شده‌اند. نتایج حاصل از این تحلیل نشان می‌دهد که توثیلماسی امارات اساساً بر ۴ محور اصلی استوار بوده است که از جمله آنها می‌توان به تلاش امارات برای معرفی خود به‌عنوان اصلی‌ترین کشور حامی صلح و ثبات در منطقه و همچنین بازنمایی پیمان آبراهام به‌عنوان تلاش امارات برای حمایت از مردم فلسطین اشاره کرد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که دستگاه دیپلماسی امارات متحده عربی با ترفند فریب افکار عمومی در توئیتر سعی دارد تا اقدامات خود در خصوص مسئله فلسطین را مشروع جلوه دهد. موضوعی که باعث می‌شود عرصه برای اقدامات جاه‌طلبانه رژیم صهیونیستی در منطقه هموار گردد.

واژه‌های کلیدی: توثیلماسی، امارات متحده عربی، عادی‌سازی روابط، رژیم صهیونیستی، پیمان آبراهام.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۴

۱. دانشیار گروه روابط بین‌الملل، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران. [gohari@isu.ac.ir](mailto:gohari@isu.ac.ir)
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشکده علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران، (نویسنده مسئول). [e.afzali@isu.ac.ir](mailto:e.afzali@isu.ac.ir)
۳. دانشجوی دکترای فرهنگ و ارتباطات، گروه فرهنگ و ارتباطات، دانشکده فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران. [r.jahanbazi@isu.ac.ir](mailto:r.jahanbazi@isu.ac.ir)
۴. دانشجوی دکترای فرهنگ و ارتباطات، گروه فرهنگ و ارتباطات، دانشکده فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران. [ar.tamaddon@isu.ac.ir](mailto:ar.tamaddon@isu.ac.ir)

## مقدمه

توثیتر به‌عنوان یکی از شبکه‌های مهم فضای مجازی امروزه این امکان را برای کشورها و دستگاه‌های مختلف فراهم کرده است تا پیام‌های مهم خود را به مخاطبان و افکار عمومی در جهان منتقل کنند. در یک دهه اخیر، این شبکه مورد توجه سیاست‌مداران و مقامات کشورهای مختلف قرار گرفته و این امکان را برای سیاست‌مداران بوجود آورده است تا ارزش‌ها، ایده‌ها و اولویت‌های مد نظرشان را در قالب پیام منعکس کنند. در این بین دیپلمات‌ها و متولیان سیاست خارجی کشورها عمدتاً بیشترین بهره را از این ظرفیت برده و باعث شکل‌گیری نوع جدید از دیپلماسی به نام «توثیلماسی» شده‌اند. در واقع، توثیلماسی ظرفیت جدیدی برای دولت‌ها و سیاست‌مداران است تا بتوانند اصول و ارزش‌های خودشان را در فضای مجازی عرضه و مخاطبان هم بدون واسطه آن را مشاهده و دریافت کنند. توان اقناع افکار عمومی، عنصر مهم در عرصه توثیلماسی است و اساساً کاربران در حوزه دیپلماسی توثیتری با همین مقیاس سنجیده می‌شوند.

این مقاله بر آن است تا به بررسی توثیلماسی کشور امارات متحده عربی در موضوع عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی بپردازد و رویکردهای اصلی در دیپلماسی توثیتری این کشور علیه جمهوری اسلامی ایران در فضای مجازی را کشف نماید. در واقع این پژوهش برای شناسایی اقدامات و رویکردهای راهبردی دولت امارات در قبال رژیم صهیونیستی در فضای مجازی (توثیتر) ضرورت پیدا می‌کند. فهم الگوی کنشگری سیاست‌مداران اماراتی در فضای توثیتر و شیوه تصویرسازی آنها درباره مسئله عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی، به‌عنوان یکی از اهداف دیپلماسی امارات، اهمیت زیادی دارد. در این راستا، نگارندگان به دنبال پاسخ به این سؤال‌اند که امارات متحده عربی در دیپلماسی توثیتری خود برای نیل به اهداف مطلوبش از چه رویکردها و مضامینی استفاده نموده است؟ پژوهش پیش‌رو سعی دارد با استفاده از روش تحلیل مضمون موارد و نکات اصلی مورد استفاده توسط سیاست‌مداران و حساب‌های رسمی منتسب به دولت امارات متحده عربی در توثیتر را از متن توثیتهای استخراج کند و با تجزیه و تحلیل محتوای منتشرشده، مضامین فراگیر را به‌عنوان محوری‌ترین اصول دستگاه دیپلماسی امارات متحده عربی در فضای مجازی ارائه دهد.

پیمان صلح ابراهیم (آبراهام)، یا به عبارت دقیق‌تر پیمان سازش ابراهیم، توافقی است که به‌منظور عادی‌سازی روابط صلح بین رژیم صهیونیستی و امارات متحده عربی در ۱۳ آگوست ۲۰۲۰ به امضاء رسیده است. امارات به‌عنوان اولین امضاءکننده این توافق هدف اصلی آن را



جلوگیری از الحاق کرانه باختری به رژیم صهیونیستی مطرح نمود. با امضای این توافق امارات متحده عربی به سومین کشوری تبدیل شد که پس از مصر و اردن روابطش را با رژیم صهیونیستی عادی سازی کرد (ملکی و محمدزاده ابراهیمی، ۱۳۹۹: ۵۴). این توافق نامه ابعاد امنیتی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و گردشگری را شامل می شود و از این رو توافقی جامع تر از توافق رژیم اسرائیل با کشورهای همچون سودان و مراکش به حساب می آید. توافق نامه ابراهیم در مهمترین بخش خود به مسائلی همچون دگرگونی غرب آسیا با برقراری صلح از طریق تحریک رشد اقتصادی و تقویت نوآوری های فناورانه، برقراری روابط دیپلماتیک به صورت کامل و ارتقای امنیت پایدار، پایه گذاری همزیستی مسالمت آمیز، عدم استفاده از زور و همکاری در زمینه های مختلف گردشگری و انرژی اشاره می کند (بابایی و میریوسفی، ۱۴۰۰: ۷۹).

### پیشینه پژوهش

اصطلاح «توثیلماسی» و یا «توثیتر-دیپلماسی» اصطلاح جدیدی است که تحقیقات محدودی در رابطه با آن به انجام رسیده است که در ادامه بدان ها اشاره می شود:

سلیمی و وهاب پور (۱۳۹۷) در مقاله «توثیلماسی؛ بازنمایی سیاست خارجی ایران در توثیتر» به دنبال فهم نقش رسانه توثیتر در تعاملات سیاست خارجی جمهوری اسلامی هستند. پرسش اصلی این مقاله این است که سیاست مدار ایرانی خود را چگونه و با چه روایتی در شبکه اجتماعی توثیتر عرضه می کند؟ نگارندگان محورهای ذیل را به عنوان روایت ایرانی از سیاست خارجی ایران دسته بندی کرده اند: ۱. ایران؛ امنیت ساز منطقه ۲. ایران؛ دولت توسعه گرای اقتصادی ۳. ایران؛ پایبند به تعهدات بین المللی و ۴. ایران مستقل. در مقابل، مهم ترین ناامن کننده نیز روایت ایرانی از سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا - به نمایندگی توثیتر دونالد ترامپ - و نیز رژیم صهیونیستی - به نمایندگی توثیتر بنیامین نتانیاهو - بوده است که کنش گران سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تلاش می کنند در مقابل آن هویت امن و معتبر جمهوری اسلامی ایران را بازسازی کنند و قوام بخشند. پژوهش مرتبط دیگر در حوزه فارسی مقاله ای است که با عنوان «توثیلماسی تطبیقی جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا» توسط برزویی و همکاران (۱۴۰۱) نگارش شده و به مطالعه موردی ترور سردار قاسم سلیمانی و بررسی توثیلماسی دو کشور ایران و آمریکا در این باره پرداخته است. در این مقاله، فرضیه استفاده حداکثری جریان راست از توثیتر در مقایسه با جریان دموکرات، تأیید و مشخص گردیده که توثیلماسی ایالات متحده آمریکا عمدتاً به دنبال افتاح افکار عمومی در مورد قانونی بودن اقدام خود در ترور سردار سلیمانی و همچنین

ضرورت اتحاد سیاسی داخلی در برابر ایران بوده است. در حالی که توئیپلماسی ایران عمدتاً مبتنی بر گفتمان عاطفی و حول محور بیان ویژگی‌های شخصیتی سردار سلیمانی و حتمی بودن انتقام‌گیری از عاملان ترور ایشان بوده است.

پارملی و بیچارد<sup>۱</sup> (۲۰۱۳) در «سیاست و انقلاب توئیتری: چگونه توئیتهای بر روابط بین رهبران سیاسی و مردم تأثیر می‌گذارند»<sup>۲</sup> از نخستین بررسی‌های جامع درباره استفاده سیاسی در پلتفرم توئیتر را انجام داده‌اند. نگارندگان بر اساس روش‌ها و تئوری‌های متعدد، علت دنبال شدن رهبران سیاسی راه قدرت اقناعی توئیتهای سیاسی، تأثیرات توئیتر در قطب‌بندی‌های سیاسی و اهمیت توئیتر به‌عنوان یک نوآوری سیاسی بیان می‌کنند. کاران ورا<sup>۳</sup> (۲۰۲۱) در «توئیپلماسی و ترامپ: دونالد ترامپ چگونه دیپلماسی را در توئیتر انجام می‌دهد؟»<sup>۴</sup> با اشاره به چرخه‌های خبری پرحادثه در زمان ریاست جمهوری دونالد ترامپ، بیان می‌کند که گفتگوها و توئیتهای او با رهبران، سازمان‌ها و کشورهای مختلف جهان به‌عنوان رئیس‌جمهوری وقت ایالات متحده آمریکا، واکنش‌های فراوانی را در پی داشته است. نگارنده در این پژوهش به بررسی برخی از جنبه‌ها و تحلیل‌های مختلف تعاملات دیپلماتیک توسط ترامپ، از طریق توئیتر در دوران ریاست‌جمهوری‌اش در ایالات متحده آمریکا از سال ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۱ می‌پردازد.

اما آنچه در پژوهش حاضر مورد تأکید و بررسی قرار می‌گیرد واکاوی توئیپلماسی امارات متحده عربی پیرامون یکی از حساس‌ترین اتفاقات سیاسی دهه اخیر است که همان عادی‌سازی روابط کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی می‌باشد. این پژوهش در پی کشف رویکردهای حاکم بر دستگاه دیپلماسی توئیتری در قبال این واقعه است و از طریق تحلیل مضامین موجود در توئیتهای قصد دارد با یکپارچه‌سازی و تجزیه و تحلیل مفاهیم استخراج شده، مضامین فراگیر را ارائه بدهد. همچنین ارائه پیشنهادی رسانه‌ای به دستگاه دیپلماسی رسانه‌ای ایران به‌ویژه شبکه‌های برون‌مرزی صداوسیما، وجه تمایز دیگر این مقاله با پژوهش‌های قبلی است.

- 
1. John H. Parmelee, Shannon L. Bichard
  2. Politics and the Twitter Revolution: How Tweets Influence the Relationship between Political Leaders and the Public
  3. Karan Vora
  4. Twiplomacy and Trump: How President Donald Trump conducted Diplomacy on Twitter



## ۱. چارچوب مفهومی

نظریه در پژوهش‌های تبیینی، عنصر هدایت‌گر تحقیق و دارای جایگاهی ویژه است اما در پژوهش‌های توصیفی مبنای تحقیق نمی‌باشد بلکه در این نوع مطالعات تنها مفهوم‌سازی و در مواردی نظریه‌پردازی انجام می‌گردد و پژوهشگر نیز در پی تحمیل نظریه مشخصی بر داده‌ها نیست (موحدمجد و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۴). پژوهش حاضر بحث‌هایی را پیرامون فضای مجازی و دیپلماسی در بستر بن‌سازه توثیلماسی (توثیلماسی) مطرح کرده است و در بطن آن از نظریه‌ی جامعه پلتفرمی بهره می‌جوید.

### ۱-۱. جامعه پلتفرمی

ظهور طیف گسترده‌ای از بن‌سازه‌ها (سکوها) در رسانه‌های دیجیتال از ایربی‌ان‌بی<sup>۱</sup> تا اوپرا<sup>۲</sup> و از وب‌سایت‌های محلی گرفته تا شرکت‌های رسانه‌های اجتماعی فعال در سراسر جهان مانند فیس‌بوک، جامعه پلتفرمی<sup>۳</sup> را ایجاد می‌کند؛ جامعه‌ای که در آن ارتباطات اجتماعی و اقتصادی به‌طور فزاینده‌ای از طریق سیستم‌های به‌هم‌پیوسته رسانه‌های دیجیتال، «شبکه‌ای» می‌شوند (de Waal and de Lange, 2017: 53). تکامل و بسط تاریخی تکنولوژی باعث تولید مداوم «خصلت فزاینده‌ی» در تمام وجوه زندگی روزمره فرد و جمعیت؛ مانند شبکه‌ای شدن فزاینده، می‌شود (ستاری، ۱۳۹۴: ۶۸۳).

در نظریه جامعه پلتفرمی، حوزه ون‌دایک و همکارانش تحلیل گسترده‌ای از نقش پلتفرم‌ها در شکل‌گیری زندگی اجتماعی ارائه می‌دهند. آنها بیان می‌کنند که پلتفرم‌ها در حال حاضر در مقیاس و در سطح وسیعی مورد استفاده گرفته‌اند. پلتفرم‌ها به‌طور فزاینده‌ای در سازماندهی بخش‌های مهم خدمات عمومی مانند روزنامه‌نگاری یا حمل‌ونقل شهری دخیل شده‌اند. با این حال، آنها به‌دلیل عدم‌وضوح در مورد وضعیت پلتفرم‌ها و موقعیت خود در مقام واسطه، تمایل دارند از مسئولیت‌های اجتماعی ناشی از اشغال چنین کارکردهای اصلی در جامعه فرار کنند. در این زمینه، سؤالاتی که

۱. Airbnb: یک بازارگاه مجازی در زمینه اجاره مکان‌های اقامتی است. این شرکت در سال ۲۰۰۸ تأسیس و در سان‌فرانسیسکو مستقر شد. از طریق این سرویس، کاربران می‌توانند محل اقامت برای گردشگری را مشخص کنند یا املاک خود را برای اجاره قرار دهند.

۲. Uber: یک سرویس آنلاین برای یافتن تاکسی به‌صورت همسفری است که شرکت آن در سان‌فرانسیسکو مستقر است. در این سرویس، اپ موبایل تلفن هوشمند به‌طور خودکار، مسافران را با نزدیکترین راننده مرتبط می‌سازد و موقعیت مسافر را به راننده می‌فرستد.

اذهان نویسندگان را معطوف به خود کرده مربوط به حاکمیت پلتفرم‌های دیجیتالی و سازگاری بین منافع خصوصی آنها و حفظ ارزش‌های عمومی است (Van Dijck, 2018).

هدف نظریه جامعه پلتفرمی، تجزیه و تحلیل و زمینه‌سازی تحولات اجتماعی ایجاد شده توسط پلتفرم‌های آنلاین در مقیاس بزرگتر (جهانی) است. در این نظریه، اصطلاح «جامعه پلتفرمی» به یک زندگی جمعی اشاره دارد که در آن جریان‌های اجتماعی و اقتصادی به‌طور فزاینده‌ای توسط یک اکوسیستم جهانی شده از پلتفرم‌های آنلاین که توسط الگوریتم‌ها هدایت و با داده‌ها تغذیه می‌شوند، بازتاب و نمایان خواهند شد. به این معنا، اصطلاح جامعه پلتفرمی نوع جدیدی از فضای عمومی مجازی را نشان نمی‌دهد که جدای از دنیای واقعی باشد که در آن زندگی می‌کنیم؛ بلکه برعکس، پلتفرم‌ها اکنون در قلب زندگی ما قرار دارند و ما تقریباً به‌طور فزاینده‌ای تأثیر آنها را در همه اشکال کارهای روزمره احساس می‌کنیم. به دیگر بیان، این پلتفرم‌ها صرفاً وسایلی فنی نیستند بلکه آنها انواع مختلف تعاملات کاربران را تسهیل می‌کنند و نوعی پیکربندی‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی شده‌اند. وی این پلتفرم را یک معماری دیجیتالی قابل برنامه‌ریزی توصیف می‌کند که برای سازماندهی تعاملات بین کاربران طراحی شده است.

ون‌دایک و همکارانش در هنگام شناسایی بازیگرانی که هنوز مسئول حفظ مصلحت عمومی و نظم سیاسی در جامعه پلتفرمی هستند، به سازندگان سنتی لیبرال دموکراسی اشاره می‌کنند؛ فعالان بازار مانند شرکت‌ها، کارآفرینان خرد، شرکت‌های بزرگ و کوچک، نهادهای دولتی مانند دولت‌های محلی، دولت ملی و دولت‌های فراملی و نهادهای جامعه مدنی مانند تعاونی‌ها، مجموعه‌ها و سازمان‌های غیردولتی. به گفته آنها یک جامعه پلتفرمی متعادل، همه این بازیگران را ملزم می‌کند تا در ساختن آن نقش خود را ایفا کنند. با این حال، نگارندگان مسئولیت ویژه دیگری را برای دولت‌ها در نظر دارند که بتوانند قدرت نظارتی خود را بر این شکل جدید اجتماعی حفظ کنند. آنها استدلال می‌کنند که دولت‌ها با فوریت بالایی به بروزرسانی نهادهای نظارتی نیاز دارند و آنها باید با دارندگان پلتفرم‌ها درباره منافع عمومی مذاکره و از ارزش‌های عمومی محافظت کنند (Van Dijck, 2018).

## ۲-۱. دیپلماسی

دیپلماسی، هنر مرتبط ساختن عناصر قدرت ملی به مؤثرترین شکل با آن دسته از ویژگی‌های شرایط بین‌المللی است که به منافع ملی مرتبط می‌شود (Morgenthau and Thompson, )



187: 2005). واتسون، دیپلماسی را به‌عنوان مذاکره نهادهای سیاسی که استقلال یکدیگر را تأیید کرده‌اند، تعریف می‌نماید (Watson, 1991: 33). بر این اساس، دیپلماسی روشی غیرخشونت‌آمیز با هدف کسب منافع حداکثری، دفع هزینه‌ها و خطرات و ارتقای موقعیت سیاسی، اقتصادی، امنیتی و ... دولت‌ها در نظام بین‌الملل تلقی می‌شود. پس از پایان جنگ سرد، رویکردهای متعددی اقدام به ارائه تبیین و تعریف جدید از پدیده دموکراسی در شرایط نوین بین‌المللی کرده‌اند. ورود دیپلماسی به حوزه‌های جدید و فاصله گرفتن از رویه‌های کلاسیک نتیجه تغییرات گسترده نظام بین‌الملل جدید بود. با وارد شدن دیپلماسی به قرن بیست و پایان یافتن دیپلماسی انحصاری، فضا برای ظهور و فعالیت بازیگران غیردولتی مهیا گردید. این رویکرد جدید دیپلماسی به ابعاد فرهنگی، تجاری، علمی و فنی سرایت کرد و مفاهیم جدیدی در روابط بین‌الملل و ارتباطات ملت‌ها شکل گرفت.

## ۱-۲-۱. دیپلماسی عمومی

مفهوم دیپلماسی همانند بسیاری از مفاهیم دیگر در علوم انسانی، تعریف واحدی که مورد اتفاق همگان باشد، ندارد. چرا که در هر تعریف، به جنبه‌ای از مفهوم دیپلماسی تأکید شده و برخی جنبه‌های دیگر آن کمتر اهمیت یافته است. با این حال اکثر تعاریف موجود، به مجموعه‌ای از عناصر مشترک در دیپلماسی عمومی اشاره دارند. غالب محققان در این حوزه، سابقه کاربرد واژه دیپلماسی عمومی را به سال ۱۹۶۵ باز می‌گردانند. چرا که در این سال، ادmond گولیبون<sup>۱</sup>، رئیس دانشکده حقوق و دیپلماسی فلچر<sup>۲</sup>، مرکز دیپلماسی عمومی ادوارد مورو<sup>۳</sup> را بنا نهاد (ولف و روزن، ۱۳۸۴: ۹۴).

اصطلاح دیپلماسی عمومی با هدف ارتباط حکومت آمریکا با شهروندان سایر کشورها ابداع شد. دیپلماسی عمومی، شامل برنامه‌های فرهنگی و آموزشی و تبادل شهروندان سایر کشورها و در چارچوب حمایت‌های دولتی است. دیپلماسی عمومی می‌تواند از طریق کانال‌های رسمی یا خصوصی و نیز توسط مؤسسات یا افراد صورت بگیرد (سی پلینو و آلتون، ۱۳۷۵: ۳۲۵). اما با ظهور تحولات شگرف در حوزه‌های ارتباطی و فناوری، همه شئون زندگی بشر تحت تأثیر قرار گرفت؛ دیپلماسی نیز از این قاعده مستثنی نبود. به طوری‌که گونه نوین دیپلماسی عمومی بیش از

1. Edmund Gullion

2. Fletcher School of Law and Diplomacy

3. Edward R. Murrow Center for Public Diplomacy

هر عاملی متأثر از رسانه‌های جدید ارتباطی است (زورق، ۱۳۸۶: ۱۳۲). تحولات ارتباطی و فناورانه، آشکال جدیدی از دیپلماسی را ایجاد کرد که از نظر کارکرد، مشابه دیپلماسی عمومی است اما از نظر فرایند اجرا و تحقق، با آن متفاوت هستند و بسیاری از محدودیت‌های آن را پشت سر گذاشته‌اند. «با افزایش دسترسی به اطلاعات و نیز افزایش سرعت انتقال اطلاعات، توانایی دولت‌ها برای ترویج دیدگاه‌های خود به افکار عمومی خارجی به ویژگی اصلی دیپلماسی تبدیل شده است.» (Hindell, 1995: 73). در واقع، دیپلماسی در حال تبدیل شدن به یک شبکه بین‌المللی است و پلتفرم‌های دیجیتال به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای دیپلماسی عمومی مدرن شناخته می‌شوند (Gurskas, 2016: 176).

### ۳-۱. توئیتر

توئیتر یک شبکه‌ی اجتماعی و سرویس ارائه‌دهنده‌ی میکرو بلاگ است و این امکان را برای کاربران خود فراهم می‌کند که پیام متنی یا توئیتهای خود را تا حداکثر ۲۸۰ کاراکتر با دوستان خود به اشتراک بگذارند. همچنین کاربران توئیتر می‌توانند لینک، عکس و فیلم‌های خود را در قالب توئیت با دیگر کاربران به اشتراک بگذارند. همچنین قابلیت پخش زنده نیز در دسترس کاربران توئیتر قرار گرفته است.

توئیتر با فلسفه اشتراک‌گذاری وضعیت افراد به دوستانشان و با شعار «چه کار می‌کنید؟» شروع به کار کرد اما در نوامبر ۲۰۰۹ این شعار به «چه چیزی در حال رخ دادن است؟» تغییر یافت. این تغییر شعار نشان‌دهنده تغییر رویکرد کلی شرکت توئیتر در خصوص کارکرد این سرویس است. امروزه توئیتر به‌حدی کاربردی شده که در خبررسانی به یکی از ابزارهای مهم بدل گشته است. به مرور این سرویس به ظرفیت مناسبی برای کمپین‌سازی و بسیج کردن نیروها مبدل شده و تأثیرگذاری بالایی بر اطلاع‌رسانی و هماهنگی معترضان در جنبش‌های اجتماعی، نظیر بیداری اسلامی و جنبش وال‌استریت داشته است (Small, 2011: 884).

پلتفرم‌ها و رسانه‌های اجتماعی، امروزه محیط مساعدی برای تعاملات کاربران فراهم آورده‌اند که در کنار حیات حقیقی خود، نوعی دیگری از زندگی در فضای مجازی را تجربه کنند که از زندگی واقعی جدا و منفک نیست بلکه این دو از هم تأثیر می‌گیرند و بر هم تأثیر می‌گذارند. اتفاقات مختلفی که در زندگی روزمره در جریان است، به نحوی در درون پلتفرم‌ها و رسانه‌های اجتماعی نیز جاری و ساری‌اند؛ به عبارت دیگر زندگی اجتماعی دیگری درون آنها وجود دارد. توئیتر به‌عنوان یکی از این رسانه‌ها، به‌دلیل فضای نخبگانی خود، بیشتر مسائل سیاسی،





اجتماعی، فرهنگی و... را دنبال می‌کند؛ به نحوی که همگان‌های (گروه‌های) شبکه‌ای مختلفی درباره این مسائل به تبادل نظر می‌پردازند. بنابراین، در جامعه کنونی که به سمت پلتفرمی شدن پیش می‌رود، رویدادها و مسائلی در رسانه‌های اجتماعی اتفاق می‌افتند که از اهمیت بالایی برخوردارند و بر زندگی حقیقی ما تأثیرگذارند؛ از این روست که مطالعه آنها بسیار اهمیت می‌یابد. به تعبیر ستاری، قدرت برای اداره فرد و جامعه فراتر از نهادهای بروکراتیک، به «فناوری» نیازی حیاتی دارد (ستاری، ۱۳۹۴: ۶۹۴). بر اساس نظر فوکس، توئیتر به دلیل زودگذر بودن، اختصار و سرعت آن، بهترین رسانه برای سیاست‌های عاطفی و ایدئولوژیک، خشم، کینه‌توزی، نفرت و حمله است (Fuchs, 2018: 181).

### ۱-۳-۱. توئیپلماسی

بر اساس تعریف وبسایت توئیپلماسی<sup>۱</sup>، توئیتر-دیپلماسی یا توئیپلماسی به استفاده کارگزاران دولتی و مقامات رسمی دیپلماتیک از شبکه اجتماعی توئیتر و نیز سایر شبکه‌های اجتماعی مثل فیس‌بوک، اینستاگرام، اسنپ‌چت و... برای تعامل با عامه مردم (داخلی و بین‌المللی)، انتشار اطلاعات و حتی اهرمی برای نفوذ جهانی اشاره دارد. این واژه برای اولین بار در سال ۲۰۱۲ توسط مؤسسه بورس‌ان-مارستلر<sup>۲</sup> وارد ادبیات رشته ارتباطات شد. سالیانه گزارش‌هایی توسط این مؤسسه در خصوص فعالیت رهبران جهان در توئیتر، فیس‌بوک و... منتشر می‌شود که در آن به رصد فعالیت‌های آنها در مورد ارتباط با مخاطبان و عامه مردم پرداخته شده است. البته باید توجه داشت که توئیپلماسی جایگزین دیپلماسی سنتی نیست بلکه یک رویکرد جدید و سازگاری با ویژگی‌های متغیر دیپلماسی عمومی و فعالیت‌های اصلی آن است. توئیپلماسی ابزاری است که نه تنها فرصت‌های جدیدی را برای دیپلماسی عمومی به وجود می‌آورد بلکه خطرات جدیدی را نیز به وجود می‌آورد که ناشی از روش‌ها و اشکال نامناسب ارتباطات است. توئیپلماسی چالش‌ها و فرصت‌های دیپلماسی عمومی مدرن را در پلتفرم‌های دیجیتال بررسی و توانمند می‌سازد. به تعبیر گورسکاس، در توئیپلماسی از ابزارهای جدید ارتباطات در سیاست خارجی برای حل روابط کنسولی، دوجانبه و چندجانبه، بیان ارزش‌ها و اولویت‌های سیاست خارجی و ارائه دستاوردهای فرهنگی کشور استفاده می‌شود (Gurskas, 2016: 175).

1. Twiplomacy.com  
2. Burson-Marsteller

بر اساس گزارش سایت توئیپلماسی ۹۷٪ از کل ۱۹۳ کشور عضو سازمان ملل متحد دارای حساب رسمی در شبکه اجتماعی توئیتر هستند. تا لحظه نگارش این نوشتار، تنها سیاستمداران ۶ کشور در توئیتر حساب کاربری رسمی دارند که عبارتند از: لائوس، موریتانی، نیکاراگوئه، کره شمالی، ترکمنستان و اسواتینی (یا سوازیلند). پس از مصاحبه‌های عمیق با آن دسته از سران سیاسی که از توئیتر استفاده می‌کنند مشخص شد که «توئیتر» رایج‌ترین رسانه جمعی‌ای است که برای اغراض سیاسی مورد استفاده قرار می‌گیرد (Parmelee and Bichard, 2012: 141-166). بسیاری از رهبران و نهادهای دولتی، مأمورهای دیپلماتیک و دیپلمات‌ها دارای حساب‌هایی در توئیتر هستند و از آن برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی و توسعه تصویر مثبت از دولت متبوع خود استفاده می‌کنند. با کمک این شبکه‌ها، نهادهای دولتی، مقامات و سازمان‌ها، اطلاعاتی از خود منتشر می‌کنند که در شکل‌دهی به تصویری خاص از دولت مؤثر واقع شود و یا تصمیمات سیاست خارجی خود را برای مخاطبان خارجی تبیین کنند» (Dumčiuviènė, 2016: 92). لذا، یکی از کارکردهای مهم توئیپلماسی در عصر حاضر، مدیریت تصویر کشور مبدأ در اذهان شهروندان دولت‌های خارجی است. از سوی دیگر توئیپلماسی در عصر حاضر، به نوعی در حال تغییر دادن ماهیت دیپلماسی است؛ یعنی ایجاد نوعی سازگاری ژنتیکی با فناوری‌های جدید. تطبیق، امری زمان‌بر است و در موضوع دیپلماسی حتی نیاز به زمان بیشتری دارد. وزارت‌های امور خارجه در سراسر جهان به آرامی با ابزارهای رسانه‌های اجتماعی در حال آشنا شدن هستند. هرچند آهسته اما توئیپلماسی خود را به‌عنوان ابزار دیپلماسی دیجیتال تلفیقی به برنامه سیاست خارجه تحمیل کرده است. به بازنگری در اهداف کمک می‌کند و به چالش‌های جدید پاسخ بهتری می‌دهد. بدین ترتیب، دیپلماسی دیجیتال را می‌توان به‌عنوان یک عنصر مهم در صنعت دیپلماسی تلقی کرد که اغلب در جایگاه ویژه‌ای قرار می‌گیرد (Sandre, 2012).

اما تعریف مختار نگارندگان از توئیپلماسی بدین شرح است:

«توئیپلماسی» الگویی از دیپلماسی نوین در بستر توئیتر بوده که با ابزارهای جدید ارتباطات در سیاست خارجی به‌دنبال شبکه‌سازی و حفظ پیوند با گروه‌های مختلف اجتماعی است. این نوع دیپلماسی با هدف ارتباط با جوامع بین‌الملل اعم از رهبران سیاسی و مردمان عادی، تلاش می‌کند از محدودیت‌های زمانی و مکانی با سرعت عبور نماید و نسبت به دیپلماسی عمومی و سنتی نقشی تکمیلی و حمایتی ایفاء نماید.

## روش پژوهش

رویکرد پژوهش در این مقاله، کیفی است. رویکردهای کیفی بسیار متنوع، پیچیده و ظریف هستند و یکی از روش‌های ساده و کارآمد تحلیل کیفی، تحلیل مضمون است. تحلیل مضمون روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش فرآیندی برای تحلیل داده‌های متنی است که داده‌های پراکنده و تحلیل‌های متنوع را به داده‌هایی منسجم و تفصیلی تبدیل می‌کند. بنابراین، در پژوهش حاضر که داده‌های آن از نوع متن (توثیت) هستند، از روش تحلیل مضمون استفاده شده است.

تحلیل مضمون، روشی است که هم برای بیان واقعیت و هم برای تبیین آن به کار می‌رود و برخلاف سایر روش‌های کیفی مانند تحلیل گفتمان، تحلیل محتوا، روش تحلیلی پدیدارشناسی تفسیری، نظریه داده بنیاد و... به چارچوب نظری خاصی وابسته نیست و از آن می‌توان در چارچوب‌های نظری متفاوت و برای امور مختلف، استفاده کرد (Braun and Clarke, 2006: 78). به همین دلیل در پژوهش حاضر از این روش برای تحلیل داده‌ها استفاده شده است.

با توجه به تنوع روش‌های به کار رفته در تحلیل مضمون و تنوع دیدگاه صاحب‌نظران، عناوین و طبقه‌بندی‌های متفاوتی برای مضامین وجود دارد. برخی پژوهشگران، مضامین را به لحاظ ماهیت و برخی دیگر به لحاظ جایگاه و سلسله مراتب آنها در تحلیل مضمون دسته‌بندی کرده‌اند. در این پژوهش، مبنای تقسیم‌بندی بر اساس جایگاه مضمون در شبکه مضامین خواهد بود. این تقسیم‌بندی که مستنبط از نظریه اترید-استرلینگ (Attride-Stirling, 2001: 396) است، سه سطح مضمون خواهد داشت:

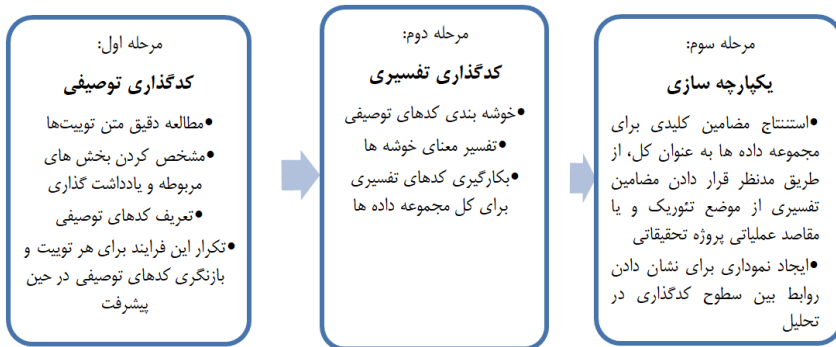
جدول شماره ۱. سطوح تحلیل مضمون

فراگیر	در کانون شبکه مضامین قرار می‌گیرد	جایگاه مضمون در شبکه مضامین
سازمان دهنده	واسط مضامین فراگیر و پایه‌ی شبکه است	
پایه	مبین نکته مهمی در متن است و با ترکیب آنها، مضمون سازمان‌دهنده ایجاد می‌شود.	

همان طور که در جدول فوق هم اشاره شده است، فرآیندی سه مرحله‌ای برای تحلیل مضمون ارائه شده که در این پژوهش نیز از این فرآیند استفاده می‌شود. این فرآیند شامل سه



مرحله‌ی کدگذاری توصیفی (پایه)، کدگذاری تفسیری (سازمان‌دهنده) و یکپارچه‌سازی از طریق مضامین فراگیر می‌باشد که در ادامه تشریح می‌گردد.



### نمودار شماره ۱. فرآیند سه مرحله‌ای تحلیل مضمون

همچنین در این بخش لازم است به انجام روایی و پایایی در پژوهش اشاره شود. با توجه به ویژگی‌های پژوهش کیفی و داشتن ریشه‌های تفسیری و تاویلی آن، مبحث روایی از جمله موضوعات قابل بحث در این حوزه و در بین پژوهشگران کیفی بوده است. استفاده از برخی مفاهیم و ابزارها برای ارزیابی اعتبار تحقیق‌های کیفی لازم است. آنها عبارتند از: قابلیت اعتبار (اعتبارپذیری)، قابلیت انتقال (انتقال‌پذیری) و قابلیت تأیید. در راستای تأییدپذیری، محققان در پژوهش حاضر مواردی چون مشاهده مستمر فضای موضوع تحقیق، بررسی موضوع از زوایای مختلف، تبادل نظر بین نگارندگان مقاله با یکدیگر و با دیگر کارشناسان موضوع و همچنین تماس طولانی مدت با محیط پژوهش از طریق فضای مجازی را مدنظر قرار داده‌اند. استفاده از تکنیک کسب اطلاعات دقیق موازی توسط هر کدام از نگارندگان و ارائه تحلیل از داده‌های مورد نظر به متخصصان و کارشناسان موضوع نیز اقدام دیگری برای اعتبارپذیری تحقیق حاضر به شمار می‌رود. در این پژوهش خودبازبینی محققان در طی فرآیند جمع‌آوری داده‌ها و همچنین مسیر تحلیل نیز قابلیت اعتبار پژوهش را تقویت می‌نماید. همچنین در دسترس بودن تمامی داده‌های جمع‌آوری شده و ارائه توضیحات غنی، ظرفیت قابلیت انتقال‌پذیری را نیز افزایش داده است. جهت اطمینان از تأییدپذیری پژوهش حاضر نیز تمامی داده‌های خام و کلیه مواردی که برای تحلیل در فرآیند تحقیق استفاده شده است، کاملاً ضبط و نگهداری می‌شود تا برای بازبینی یا قضاوت دیگر کارشناسان موجود باشد. در مورد مفهوم پایایی نیز آنطور که بسیاری از



اندیشمندان علوم اجتماعی اشاره کرده‌اند، «دقت» در انجام مراحل مختلف تحقیق، عامل اصلی پایایی تحقیقات کیفی است. همچنین به عقیده محققان قابل‌اعتماد بودن داده‌های جمع‌آوری شده و صحت آنها و همچنین دقت برای بکارگیری روش صحیح اجرای تحقیق، عامل پایایی را در پژوهش تقویت می‌کند که در تحقیق حاضر مستندات اولیه و در دسترس بودن داده‌ها و همچنین بررسی روش اجرا، پایبندی به این اصل را اثبات می‌کند.

### جمع‌آوری داده‌ها

همزمان با اعلام رسمی پیمان سازش ابراهیم در ۱۳ آگوست سال ۲۰۲۰ توسط محمد بن زاید، ولیعهد پیشین و حاکم کنونی ابوظبی، توثیق‌های مقامات اماراتی و همچنین توثیق‌های منتشرشده در صفحات رسمی منتسب به دستگاه‌های حکومتی امارات که مرتبط با این موضوع بود، توسط API توثیق<sup>۱</sup> جمع‌آوری گردید. مقصود از مقامات دولت امارات در مقاله حاضر، کلیه اعضای کابینه دولت، اعضای خانواده حاکمان امارات متحده عربی، اعضای مجلس ملی امارات و صفحات رسمی منتسب به وزارتخانه‌های کشور امارات است. بازه زمانی در این پژوهش از ۱۳ آگوست تا ۲۰ سپتامبر سال ۲۰۲۰ است. کلیدواژه‌های مورد استفاده در این پژوهش برای جمع‌آوری داده‌ها مجموعه‌ای از کلمات مرتبط با توافقنامه سازش موسوم به «آبراهام» یا «ابراهیم» و پروژه عادی‌سازی روابط اسرائیل با کشور امارات است که به زبان انگلیسی و عربی جمع‌آوری شده است. در نهایت تعداد نهایی توثیق‌های جمع‌آوری شده به عدد ۱۳۸ رسید. همچنین لازم به ذکر است برخی از داده‌های جمع‌آوری شده، به صورت رشته توثیق بوده و حداقل یک‌بار از کلیدواژه‌های مذکور در آنها استفاده شده است. قابل ذکر است، به دلیل آنکه جامعه آماری پژوهش، قابلیت تمام‌شماری داشت، از نمونه‌گیری در این پژوهش استفاده نشد و تمامی جامعه آماری مورد بررسی قرار گرفته است. در بخش تحلیل داده‌ها، توثیق‌های عربی و انگلیسی از حساب‌های اماراتی ابتدا به فارسی ترجمه شدند و سپس برای هر کدام، مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر انتخاب شدند.

### یافته‌های پژوهش

در گام ابتدایی، مضامین پایه از متون انتخاب و استخراج شد و از بین ۱۳۸ توثیق منتشر شده توسط مسئولان و صفحات رسمی منتسب به امارات متحده عربی تعداد ۱۱۲ مضمون پایه

---

۱. APIها رابط پیاده‌سازی توسط نرم‌افزار است که برنامه‌نویسان به وسیله کدنویسی آن را بوجود می‌آورند تا با دقت بالا به دیگر نرم‌افزارها اجازه بدهند تا بتوانند به برنامه مورد نظر وصل شده و با آن تعامل داشته باشند.

استخراج شد. در گام بعد با خوشه‌بندی مضامین پایه استخراج‌شده از مرحله قبل، مضامین، تجمیع و یکپارچه می‌گردد و حاصل کار در این گام، تولید ۱۸ مضمون سازمان‌دهنده بود که در جدول شماره ۲ قابل مشاهده است. ستون فراوانی در این جدول معرف این است که ذیل هر مضمون سازمان‌دهنده چند مورد مضمون پایه جای گرفته است.

جدول شماره ۲: مضامین سازمان‌دهنده در توئیت‌های امارات متحده عربی

ردیف	مضامین سازمان‌دهنده	فراوانی
۱	پیمان سازش گامی در راستای برقراری ثبات و امنیت و نزدیکی ملتها در منطقه	۳۴
۲	اخبار تحولات درباره پیمان سازش آبراهام	۱۶
۳	تقدیر از اقدامات صلح‌آمیز محمد بن زاید	۱۴
۴	دیدار مسئولان امارات، رژیم اسرائیل و آمریکا	۱۳
۵	اولویت قضیه فلسطین برای دولت امارات در پذیرش صلح با رژیم اسرائیل	۱۲
۶	امارات پیام‌آور صلح	۱۰
۷	پیمان سازش امارات و رژیم اسرائیل؛ گامی برای توقف الحاق سرزمین‌های فلسطین به سرزمین‌های اشغالی	۱۰
۸	برگزاری نشست با موضوع آینده همکاری امارات و رژیم اسرائیل	۵
۹	افزایش همکاری امارات و رژیم اسرائیل به دنبال پیمان سازش	۵
۱۰	تلاش دولت امارات برای برقراری صلح و ثبات در منطقه و نزدیکی ملتها	۴
۱۱	خرسندی امارات از عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی و کشورهای عربی	۴
۱۲	تلاش رهبران برای تثبیت صلح و امنیت در غرب آسیا از طریق پیمان سازش	۴
۱۳	رویکرد عاقلانه امارات در سیاست خارجی با پذیرش پیمان سازش آبراهام	۲
۱۴	لحظه تاریخی امضای پیمان سازش	۲
۱۵	تأیید پیمان سازش امارات و رژیم اسرائیل توسط مردم امارات	۱
۱۶	پیمان سازش موفقیتی برای مسلمانان	۱
۱۷	پیمان سازش فرصتی راهبردی برای پیشرفت و شکوفایی امارات	۱
۱۸	تأیید پیمان سازش امارات و رژیم اسرائیل توسط دیگر کشورها	۱

در گام نهایی تحلیل مضمون، با یکپارچه‌سازی مضامین سازمان‌دهنده، مضامین فراگیر که مضامین اصلی و محوری پژوهش هستند ایجاد می‌شود. در حقیقت با اجرای این گام، مؤلفه‌ها و



عناصر اصلی توثیلماسی امارات متحده عربی درباره موضوع عادی سازی روابط با رژیم اسرائیل نمایان می شوند.

همانطور که در جدول شماره ۳ نشان داده شده است، از بین ۱۸ مضمون سازمان دهنده، ۴ مضمون فراگیر حاصل شد که فراوانی هر کدام نیز به تفکیک نشان داده شده است.

### جدول شماره ۳: مضامین فراگیر در توثیلماسی امارات متحده عربی

ردیف	مضامین فراگیر	فراوانی
۱	امارات متحده عربی حامی برقراری صلح و ثبات در منطقه	۸
۲	بازتاب اخبار و تحولات مرتبط با پیمان سازش	۴
۳	پیمان سازش؛ راهکاری برای حل منازعه فلسطین	۳
۴	پیمان سازش؛ گامی در راستای ثبات غرب آسیا	۳

در ادامه به صورت تفصیلی به شرح هر کدام از این مضامین فراگیر خواهیم پرداخت.

### ۱. امارات متحده عربی حامی برقراری صلح و ثبات در منطقه

مضامین سازمان دهنده این مضمون فراگیر در جدول زیر مشاهده می شود.

### جدول شماره ۴: مضامین سازمان دهنده ذیل مضمون فراگیر اول

مضمون فراگیر	امارات متحده عربی حامی برقراری صلح و ثبات در منطقه
مضامین سازمان دهنده	امارات پیام آور صلح
	رویکرد عاقلانه امارات در سیاست خارجی با پذیرش پیمان سازش آبراهام
	تلاش دولت امارات برای برقراری صلح و ثبات در منطقه و نزدیکی ملت ها
	پیمان سازش؛ فرصتی راهبردی برای پیشرفت و شکوفایی امارات
	تایید پیمان سازش امارات و رژیم اسرائیل توسط دیگر کشورها
	تایید پیمان سازش امارات و رژیم اسرائیل توسط مردم امارات
	خرسندی مردم و دولت امارات از عادی سازی روابط رژیم اسرائیل و کشورهای عربی
	تقدیر از اقدامات صلح آمیز محمد بن زاید

محور اول ذیل این مضمون فراگیر، تأیید و عاقلانه دانستن اقدامات صلح طلبانه دولت امارات برای برقراری صلح و ثبات در منطقه است. این پیام نشان می دهد که مقامات امارات در مسیر عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی با سردمداران این رژیم موافق و هم عقیده بوده اند. یکپارچگی عقیدتی و رفتاری این موضوع را القاء می کند که در داخل دستگاه های حکومتی

امارات در برابر این رویکرد مخالفت جدی وجود نداشته است. شاید مهمترین دلیل این رویکرد در داخل دولت امارات وجود پدیده وابستگی به غرب و هژمونی آمریکایی به شمار برود که اساساً در شکل‌گیری این کشور توسط کشورهای غربی خصوصاً ایالات متحده آمریکا مؤثر بوده است. از ابتدای شکل‌گیری دولت امارات، کشورهای غربی تأثیر بسزایی بر آراء این دولت در مجامع بین‌المللی داشته‌اند. چنانکه می‌توان ادعا کرد امارات یکی از بازوهای مهم کشورهای غربی در منطقه جنوب غرب آسیا برای غرب و مخصوصاً آمریکا به‌شمار می‌رود.

در محور دوم از مضامین سازمان‌دهنده، «پیشرفت و شکوفایی این کشور (امارات) در سایه پیمان صلح» مد نظر قرار گرفته است. همکاری‌های مشترک اقتصادی و فناورانه میان امارات و رژیم اسرائیل در ایجاد این مفهوم برای شهروندان اماراتی بسیار مؤثر جلوه می‌کند. حوزه فناوری‌های نرم، علوم پزشکی، هوش مصنوعی، صنعت ماهواره‌ای و فناوری هسته‌ای از مهمترین حوزه‌هایی است که با حمایت و همکاری رژیم صهیونیستی، به نماد پیشرفت و شکوفایی امارات در منطقه بدل شده‌اند.

محور بعدی در مضامین سازمان‌دهنده، «تأیید پیمان سازش توسط جامعه بین‌الملل و شهروندان امارات» است. این مضمون بر ساخته در راستای به رسمیت شناختن این پیمان و دعوت دیگر کشورهای عربی منطقه به پیوستن به پیمان سازش بوده و توسط مقامات امارات و رژیم صهیونیستی در رسانه‌ها به شدت برجسته شده است.

محور دیگر در مضامین سازمان‌دهنده القاء «تقدیر از شخص محمد بن زاید»، ولیعهد وقت ابوظبی به دلیل اقدامات وی در راستای فراهم کردن زمینه پیمان سازش و حمایت از ثبات در منطقه غرب آسیا است. بر اساس تحلیل داده‌های توثیقی به نظر می‌رسد هدف این تقدیر از محمد بن زاید به عنوان پرچمدار سازش با رژیم صهیونیستی، ایجاد زمینه‌های لازم برای رهبری بلامنازع محمد بن زاید در دولت آتی امارات متحده عربی بوده است. چنانچه وی از ۱۴ می ۲۰۲۲ رئیس امارات متحده عربی شد. محمد بن زاید به دنبال جلب حمایت داخلی و خارجی برای تبدیل شدن به یک قهرمان ملی و منطقه‌ای است تا بتواند کنشگری فعالانه در منطقه داشته باشد. وی تلاش دارد اقدامات جنایتکارانه کشورش در قبال مردم یمن و سیاست‌های ماجراجویانه خود در منطقه را مشروع جلوه دهد و مانع انتقاد افکار عمومی کشورش در حوزه ارتباط با رژیم صهیونیستی شود. امارات متحده عربی از ابتدای اجرای عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی هدف اصلی از این پیمان را تلاش برای حفظ ثبات در منطقه و نزدیکی ملت‌ها عنوان کرده





است. این درحالی است که دولت امارات علاوه بر خیانت به آرمان فلسطین سهم به سزایی در ایجاد آشوبها و تنشها در منطقه و مخصوصاً یمن دارد. لذا به دنبال مشروعیت بخشی به اقدامات خود است. در نهایت به نظر می رسد امارات متحده عربی تلاش دارد در دیپلماسی توثیتری خود، تصویری حامی صلح و ضد جنگ از خود ارائه دهد و پروژه مشروع عادی سازی روابط با رژیم اسرائیل را برای همه کشورهای منطقه تجویز کند. در واقع این مضمون فراگیر نشان می دهد که امارات متحده عربی در توثیلماسی خود به دنبال ارائه چهره ای ضد جنگ و امنیت ساز از خود در منطقه است تا به این واسطه قدرت خود در مقابل جمهوری اسلامی ایران، به عنوان مهمترین رقیب در منطقه، را افزایش دهد.

## ۲. بازتاب اخبار، تحولات و دیدارهای مرتبط با پیمان سازش

مضامین سازمان دهنده این مضمون فراگیر در جدول زیر مشاهده می شود.

جدول شماره ۵: مضامین سازمان دهنده ذیل مضمون فراگیر دوم

مضمون فراگیر	بازتاب اخبار، تحولات و دیدارها مرتبط با پیمان سازش
مضامین سازمان دهنده	دیدار مسئولان امارات، رژیم اسرائیل و آمریکا
	اخبار تحولات درباره پیمان سازش آبراهام
	برگزاری نشست با موضوع آینده همکاری امارات و رژیم صهیونیستی
	اشاره به لحظه تاریخی امضای پیمان سازش

مضمون دوم فراگیر در تحلیل توثیلماسی امارات متحده در مورد عادی سازی روابط با رژیم اسرائیل، عمدتاً به «اخبار تحولات و اتفاقات مرتبط با توافقنامه» اشاره دارد. اخبار دیدارهای چندجانبه و دوجانبه مقامات دو رژیم، سفر مقامات آمریکایی و صهیونیستی به امارات و بالعکس و بازتاب نتیجه مذاکرات مستقیم و غیرمستقیم میان این سه بازیگر، از جمله مهمترین موضوعات ذیل محور اول مضامین سازمان دهنده است. از مهمترین اخبار مرتبط با پیمان سازش، برگزاری نشست هایی بین مقامات امارات و رژیم صهیونیستی است که با هدف افزایش همکاری های اقتصادی و امنیتی بین دو کشور برگزار شد. مانور تبلیغاتی دستگاه دیپلماسی رژیم صهیونیستی در موضوعات فرهنگی و اقتصادی در بستر توثیتر، مقامات، شهروندان و دستگاه دیپلماسی امارات را نیز تحت تأثیر قرار داده و در واقع مسائل امنیتی و نظامی زیر سایه همکاری های اقتصادی و

فرهنگی پنهان شده است. برجسته‌سازی اخبار از لحظه امضای توافق تا دیدار مخفی مسئولان امارات و رژیم صهیونیستی در منطقه غرب آسیا با هدف مضمون قبلی، همبستگی مفهومی دارد. چنانکه دستگاه دیپلماسی امارات‌متحدہ عربی تلاش دارد در صفحات رسمی خود در توییتر، با بی‌سابقه جلوه دادن این قرارداد در سطح منطقه، اعتبار بین‌المللی بیشتری برای خود کسب نماید و در میان کشورهای عربی چهره‌ای نواندیشانه از خود به تصویر کشد.

### ۳. پیمان سازش، گامی در راستای ثبات منطقه و نزدیکی ملت‌ها مضامین سازمان دهنده این مضمون فراگیر در جدول زیر مشاهده می‌شود.

جدول شماره ۶: مضامین سازمان دهنده ذیل مضمون فراگیر سوم

مضمون فراگیر	پیمان سازش، گامی در راستای ثبات منطقه و نزدیکی ملت‌ها
مضامین سازمان دهنده	پیمان سازش گامی در راستای برقراری ثبات و امنیت و نزدیکی ملت‌ها در منطقه
	تلاش رهبران برای تثبیت صلح و امنیت در غرب آسیا از طریق پیمان سازش
	افزایش همکاری امارات و رژیم اسرائیل به دنبال پیمان سازش

مضمون فراگیر سوم که مطابق تحلیل داده‌ها، دستگاه دیپلماسی امارات آن را مد نظر قرار داده، بازنمایی پیمان سازش آبراهام، به‌عنوان گامی ضروری برای ایجاد ثبات و آرامش در منطقه است. توییپلماسی امارات ذیل این مضمون به برجسته‌سازی دستاوردها و زمینه‌های احتمالی پیمان سازش آبراهام پرداخته است؛ چنانکه کلیدواژه «صلح تاریخی» در مضامین استفاده شده توسط رهبران اماراتی، بسیار پرتکرار بوده است. یکی از مهمترین مضامین سازمان دهنده در این بخش، «نقش موثر پیمان سازش در برقراری ثبات در منطقه و نزدیکی دولت‌ها و ملل مختلف» است. دولتمردان امارات و رژیم صهیونیستی با به‌کارگیری دیپلماسی فعال در بستر فضای مجازی سعی دارند تا موضوع امنیت منطقه را به‌عنوان دستاورد عادی‌سازی روابط القاء کنند. تلاش رهبران کشورهای آمریکا، امارات و رژیم صهیونیستی برای فراگیر کردن این باور و مؤثر جلوه دادن پیمان سازش نیز از دیگر محورهای پرتکرار سازمان دهنده است. افزایش همکاری‌ها به دنبال انعقاد پیمان سازش بین دو کشور از مضامین و از جمله دستاوردهای برجسته‌ای به‌شمار می‌رود که این پیمان را برای مخاطبان و افکار عمومی توجیه می‌کند.



## ۴. پیمان سازش راهکاری برای حل منازعه فلسطین

مضامین سازمان دهنده این مضمون فراگیر در جدول زیر مشاهده می شود.

### جدول شماره ۷: مضامین سازمان دهنده ذیل مضمون فراگیر چهارم

مضمون فراگیر	پیمان سازش راهکاری برای حل منازعه فلسطین
مضامین سازمان دهنده	اولویت قضیه فلسطین برای دولت امارات در پذیرش صلح با رژیم اسرائیل
	پیمان سازش امارات و رژیم اسرائیل گامی برای توقف الحاق سرزمین های فلسطین به رژیم اسرائیل
	پیمان سازش مؤقفیتی برای مسلمانان

قضیه فلسطین و منازعه طولانی مدت رژیم صهیونیستی با مردم این کشور برای همه اعراب جهان از جمله امارات متحده عربی از اهمیت بالایی برخوردار است. لذا، همانطور که تحلیل داده های توثیتری نشان می دهد مسئله فلسطین جایگاه ویژه ای در پیمان عادی سازی روابط امارات و رژیم صهیونیستی دارد. در واقع، دولت امارات یکی از مهمترین دلایل انعقاد پیمان سازش و عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی را حل منازعه فلسطین و برقراری ثبات و آرامش برای مردم فلسطین بیان کرده است. چنانکه دستگاه دیپلماسی امارات متحده عربی یافتن راه حل مناسب برای قضیه فلسطین را به عنوان یکی از اولویت های اصلی این روابط بیان کرده است. همچنین یکی دیگر از مضامین پرتکرار که در این محور به آن اشاره شده، «بازنمایی پیمان سازش به عنوان مانعی در مسیر الحاق سرزمین های اشغالی به رژیم صهیونیستی» است. رسانه های غربی بر توقف الحاق سرزمین های اشغالی به عنوان یکی از پیشران های موثر در روند انعقاد پیمان سازش تأکید کرده و افکار عمومی جهان عرب را به سمت حمایت از این طرح کشانده اند. امارات نیز البته با القای این باور که پیمان سازش در واقع یک پیروزی بزرگ برای امت عرب بوده است، این پیروزی را به همه مسلمانان جهان تبریک گفت و خواستار پیوستن دیگر کشورهای عربی به این قرارداد شد. توثیلماسی امارات بر توقف الحاق سرزمین های اشغالی به رژیم صهیونیستی پس از امضای این تفاهمنامه، تمرکز بسیار زیادی داشته است. حال آنکه سیاست اعمالی امارات متحده عربی در این خصوص، مغایر با سیاست اعلامی آن است. تحولات بعدی نشان داد که رویکرد سازش کارانه امارات متحده عربی، موجب تقویت سیاست های الحاق گرایانه و اشغال گرایانه رژیم صهیونیستی گردیده است.

## جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

پلتفرم‌ها و رسانه‌های اجتماعی، امروزه محیط مساعدی برای تعاملات کاربران فراهم آورده‌اند که در کنار حیات حقیقی خود، نوعی دیگری از زندگی را تجربه کنند که از دیگری جدا و منفک نیست بلکه این دو از هم تأثیر می‌گیرند و بر دیگری تأثیر می‌گذارند. در جامعه کنونی که به سمت پلتفرمی شدن پیش می‌رود، رویدادها و مسائلی در رسانه‌های اجتماعی اتفاق می‌افتند که از اهمیت بالایی برخوردارند و بر زندگی حقیقی ما تأثیر گذارند؛ از این رو مطالعه آنها بسیار اهمیت می‌یابد. با توجه به این توضیحات، مسئله افکار عمومی و اقناع آن، امروزه بیش از هر زمان دیگری مورد توجه حکومت‌هاست و به اصلی مهم در حکمرانی‌ها تبدیل شده است. دستگاه دیپلماسی کشورها برای ارائه دلایل و توضیح اقدامات خود نیز باید در یک بستر پرمخاطب مسئله اقناع افکار عمومی را پیگیری کنند. در همین راستا دیپلماسی توییتری یا توئیلماسی، در واقع عرصه‌ای جدید برای فعالیت و کنش سیاست‌مداران و دیپلمات‌هاست که از آن طریق تصمیم‌های رسمی اتخاذ شده، اولویت‌ها و ایده‌های مهم در ساختار دولت را منتشر کنند و بر مخاطبان و افکار عمومی در موضوعات مختلف بین‌المللی بی‌واسطه تأثیر بگذارند. عادی‌سازی روابط امارات و رژیم صهیونیستی به‌عنوان یک اتفاق سیاسی - امنیتی که تأثیر بسزایی بر کل تحولات منطقه خواهد دارد، بازنمایی گسترده و مهمی در شبکه اجتماعی توییتر داشت. این مقاله پس از کنکاش و تحلیل دقیق توئیلماسی کشور امارات متحده عربی در خصوص پیمان سازش ابراهیم، به ارائه مهمترین مضامین موجود در این زمینه پرداخته است.

همانطور که در بخش نظری اشاره شد، هدف نظریه جامعه پلتفرمی، تجزیه، تحلیل و زمینه‌سازی تحولات اجتماعی ایجاد شده توسط پلتفرم‌های آنلاین از منظر جهانی در مقیاس بزرگتر است. با توجه به این موضوع، تجزیه و تحلیل مسئله عادی‌سازی روابط امارات متحده عربی و رژیم صهیونیستی به‌عنوان یک تحول مهم امنیتی و نظامی در منطقه غرب آسیا در فضای شبکه‌های اجتماعی مخصوصاً توییتر بازتاب‌های متفاوتی داشت. طبق نظریه جامعه پلتفرمی در واقع امارات متحده عربی در پی آن است تا با استفاده از فناوری‌های نوین و از جمله شبکه‌های اجتماعی جهانی، انگاره‌هایی را در جامعه نهادینه کند و پیکربندی فرهنگی و اجتماعی جدیدی را به‌عنوان الگو به سایر کشورهای عربی معرفی کند. امارات متحده عربی به‌وسیله این معماری دیجیتال سعی دارد جنایات و تهدیدات رژیم صهیونیستی را در جامعه به حاشیه براند و روابط اقتصادی و اجتماعی بین دو کشور را صمیمانه و مثمرتر نشان دهد تا این باور برای شهروندان



امارات و دیگر کشورهای عربی ایجاد شود که مزایای عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی بسیار بیشتر از آسیب‌های آن است.

بر اساس یافته‌های این پژوهش، امارات متحده عربی هدف اصلی توتیپلماسی خود را ارائه چهره‌ای صلح طلب و حامی ثبات در منطقه قرار داده است. با توجه به عمق و روند مناسبات میان امارات و رژیم اسرائیل که در بستر توتیتر نیز خود را نشان داده است، می‌توان ادعا کرد که «آشکار سازی روابط» به جای «عادی سازی روابط» میان دو کشور مذکور، عبارت بهتر و دقیق‌تری برای بیان واقعیت است. بررسی تاریخی نشان می‌دهد کشور امارات که بیش از پنجاه سال از عمر تأسیسش نمی‌گذرد پیشگام خیانت به آرمان فلسطین و دارای ارتباطات پنهانی با رژیم جعلی صهیونیستی بوده و فقط در سال‌های اخیر، این ارتباطات «آشکار» شده است. یافته‌های این پژوهش در حوزه توتیپلماسی مؤید این ادعاست که دولت و مقامات رسمی این کشور با ترسیم آینده‌ای روشن که از همکاری با رژیم صهیونیستی و آمریکا حاصل می‌شود، تلاش می‌کنند تا افکار عمومی شهروندان خود و همچنین جامعه بین‌الملل را از مسئله اصلی در بحران فلسطین، یعنی دشمنی‌ها و جنایات رژیم صهیونیستی در فلسطین اشغالی دور نمایند. امارات در واقع سعی دارد با مزیت‌های توتیپلماسی فعال خود، فعالیت‌های رژیم اسرائیل و جبهه مقابلش را به شکلی دیگر روایت و بازنمایی کند. دستگاه دیپلماسی امارات متحده عربی با فریب افکار عمومی و پیشنهاد یک طرح ضد فلسطینی با ادعای حمایت از مردم مظلوم این کشور، در پازل طراحی شده توسط آمریکا و رژیم صهیونیستی قدم برمی‌دارد و با امتیاز دادن به این رژیم جعلی تحت عنوان حمایت از صلح و ثبات، علناً به آرمان و مردم مظلوم فلسطین خیانت می‌کند. عادی سازی روابط، راهبرد رژیم صهیونیستی در ایجاد نظم امنیتی جدید منطقه غرب آسیا است اما با توجه به روند تحولات در منطقه به عقیده نگارندگان کشورهای نظیر امارات متحده عربی یا بحرین به دلیل محدودیت‌های منابع قدرت از جمله؛ جمعیت و قلمرو کم و نیروی نظامی محدود، توانایی لازم برای پیشبرد اهداف امنیتی رژیم اسرائیل در منطقه را نخواهند داشت و نهایتاً همچون گذشته محکوم به شکست در برابر جبهه مقاومت هستند. باید در نظر داشت که به رسمیت شناختن رژیم صهیونیستی توسط امارات به عنوان یک کشور قانونی و رسمی، پیام مهمی برای مخاطبان در سرتاسر جهان مبنی بر کناره‌گیری امارات از آرمان فلسطین دارد. این رویکرد امارات، فاقد پشتوانه مردمی بوده و با توجه به نظم جدید بین‌المللی، بیداری افکار عمومی منطقه در خصوص جنایات رژیم اسرائیل و قوت‌گیری جبهه مقاومت به ضرر این کشور ارزیابی می‌شود.

## پیشنهاد‌های کاربردی و رسانه‌ای

۱. پیشنهاد می‌شود در برنامه‌های میزگردی رادیوها و تلویزیون‌های برون‌مرزی، مضامین توئیلماسی امارت‌متحده عربی در خصوص پروژه سازش ابراهیم، با حضور کارشناسان داخلی و خارجی، نقد شود.
۲. پیشنهاد می‌شود شبکه‌های برون‌مرزی صداوسیما (به‌ویژه العالم، الکوثر و سحر) در یک مستند، تلاش‌های قبلی رژیم اسرائیل برای عادی‌سازی مناسبات با کشورهای عربی و نتایج و پیامدهای آن را بررسی کنند تا با آگاهی‌بخشی به افکار عمومی منطقه، از شکل‌گیری دومینوی عادی‌سازی جلوگیری شود. برای مثال مصر و اردن با هدف پیشرفت در عرصه اقتصادی و امنیتی به عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی اقدام کرد اما با گذشت زمان ناامنی‌ها، فقر و بدهکاری اقتصادی دولت بیشتر از هر زمان دیگری تشدید شد.
۳. رسانه‌های برون‌مرزی صداوسیما باید روایت فعالانه از اتفاقات میدانی در سرتاسر منطقه را در راستای تقویت نیروهای مقاومت همچنان پیگیری کنند. تقویت تولید محتوای رسانه‌ای و کنش‌گری معاونت برون‌مرزی صداوسیما علیه امپراطوری رسانه‌ای غربی-عبری-عربی می‌تواند پروژه منزوی‌سازی ایران را خنثی کند.
۴. از زبان کارشناسان عربی، به هماهنگی امارات با عربستان سعودی برای خیانت به آرمان فلسطین علیرغم اختلافات دوحه و ریاض در مسئله یمن، تأکید گردد.

## پیشنهادها برای پژوهش‌های آتی

- مطالعه رویکرد رسانه‌های مستقل عربی به پیمان ابراهیم
- مطالعه اقدامات سایبری رژیم صهیونیستی و کشورهای عربی برای فریب افکار عمومی جهت تقویت پروژه ایران‌هراسی

## منابع و مأخذ

### منابع فارسی

استراوس، آنسلم و کوربین، جولیت (۱۳۸۵)، **اصول روش تحقیق کیفی: نظریه مبنایی رویه ها و شیوه ها**، ترجمه بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

بابایی، محمد، میریوسفی، میرعلی (۱۴۰۰)، «تأثیر پیمان صلح آبراهام (ابراهیم) بر مجموعه امنیتی منطقه‌ای خاورمیانه»، **فصلنامه علمی مطالعات فرهنگ دیپلماسی**، سال اول، شماره ۱، صص ۷۰-۹۲.

برزویی، محمدرضا، جهانبازی، رضا و تمدن، امیررضا (۱۴۰۱)، «توثیلماسی تطبیقی جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا؛ مطالعه موردی شهادت سردار قاسم سلیمانی»، **فصلنامه علمی مطالعات میان‌رشته‌ای ارتباطات و رسانه**، دوره پنجم، شماره ۲، صص ۵-۴۲.

زورق، محمدحسین (۱۳۸۶)، **ارتباطات و آگاهی**، تهران: دانشگاه صداوسیما.  
ستاری، سجاد (۱۳۹۴)، «تولد زیست فرهنگ در جهان در حال شدن به سوی چرخش روانی و بنای جامعه‌شناسی سیاسی روانکاوانه»، **فصلنامه سیاست**، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۵، شماره ۳، صص ۶۷۹-۶۹۷.

سلیمی، حسین و وهاب‌پور، پیمان (۱۳۹۷)، «توثیلماسی؛ بازنمایی سیاست خارجی ایران در تئوتیر»، **فصلنامه مطالعات رسانه‌های نوین**، سال چهارم، شماره ۱۴، صص ۶۷-۱۰۷.

سی پلینو، جک؛ آلتون، روی (۱۳۷۵)، **فرهنگ روابط بین‌الملل**، ترجمه حسن پستا، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر

ملکی، محمدرضا، محمدزاده ابراهیمی، فرزاد (۱۳۹۹)، «چشم‌انداز صلح خاورمیانه در سایه عادی سازی روابط اسرائیل و جهان عرب»، **فصلنامه مطالعات بین‌المللی**، سال ۱۷، شماره ۳، صص ۴۵-۶۴.

مومحمد، مجید، نیک‌نجات، زینب، عباسی شوازی، محمدتقی (۱۳۹۴)، «بازنمایی مناسک محرم در رسانه‌های غرب؛ تحلیل نشانه‌شناختی عکس‌های پایگاه عکاسی توتالی کول پیکس با موضوع محرم و عاشورا»، **فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران**، دوره هشتم، شماره ۳، صص ۳۱-۵۹.

ولف، چارلز، روزن، برایان (۱۳۸۴)، «دیپلماسی عمومی: بوسه‌ی مرگ»، ترجمه: علی گل محمدی، **ماهنامه اندیشه و تاریخ سیاسی معاصر ایران**، سال چهارم، شماره ۳۱، صص ۹۳-۱۰۳.



منابع انگلیسی

- Attride-Stirling, Jennifer, (2001), «Thematic networks: an analytic tool for qualitative research», **SAGE Publications** (London, Thousand Oaks, CA and New Delhi), vol. 1(3), pp 385-405.
- Braun, Virginia, Clarke, Victoria (2006), «Using thematic analysis in psychology», **Qualitative Research in Psychology**, 3, pp 77-101.
- De Waal, M; de Lange, M. and Bouw, M. (2017), «The Hackable City: Citymaking in a Platform Society», **Archit. Design**, 87, pp 50-57.
- Dumčiuvienė, Aušra (2016), «Twiplomacy: the meaning of social media to public diplomacy and foreign policy of Lithuania», **Lithuanian Foreign Policy Review**, vol. 35, pp 92-118.
- Fuchs, Christian (2018), «**Digital demagogue: Authoritarian Capitalism in the Age of Trump and Twitter**», London: Pluto Press.
- Gurskas, Marius (2016), «Twiplomacy – new form of contemporary public diplomacy?», **Almanach of Policy Studies**, vol. 19, pp 161-180.
- Hindell, K (1995), «The Influence of the Media on Foreign Policy», **International Relations**, vol 12, pp 73-83.
- Morgenthau, H. J., and Thompson, K. W. (2005), **Politics Among Nations**, Published by McGraw-Hill Educatio.
- Parmelee, John H., Bichard, Shannon L. (2013), **Politics and the Twitter Revolution: How Tweets Influence the Relationship between Political Leaders and the Public**, Minneapolis, MN: Lexington Books.
- Sandre, Andrea (2012), «Twiplomacy Is Bringing Diplomacy Back to Relevancy», <https://diplomacy.edu/blog/twiplomacy-bringing-diplomacy-back-relevancy>.
- Small, T. A. (2011), «What the hashtag? A content analysis of Canadian politics on Twitter», **Information, Communication and Society**, vol 14(6), pp 872–895.
- Summa, Giancarlo (2020), «We the People’ in the Twitter Age: Digital Diplomacy and the Social Legitimacy of the United Nations», **Media@LSE London School of Economics and Political Science**.
- Torrealba, Alfredo. A. (2015), «Twiplomacy: Impact of Twitter Social Network on Diplomacy», **International Political Science. Conflict Studies. Greater Middle East**. Vol 15, No 3, pp 152-166.





Van Dijck, José; Thomas, Poell. and Martjin de Waal (2018), **The Platform Society: Public Values in a Connective World**, London: Oxford University Press.

Vora, Karan (2021), **Twiplomacy and Trump: How President Donald Trump conducted Diplomacy on Twitter**, Chisinau: lap lambert Academic Publishing.

Watson, A. (1991), **Diplomacy: The Dialogue between States**, London, New York, NY: Routledge .